



ژورنال حقوق کیفری

سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

شماره پانزدهم



بررسی کارکردهای بازپرورانه اجرای حق برخورداری از آموزش و پرورش در زندان‌های استان اصفهان

الناز جهانگیری^۱

دکتر سعید قماش^۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۷

چکیده

محرومیت زندانیان از حقوق اساسی‌شان حین اجرای مجازات، کارکردهای بازپرورانه مجازات را از بین می‌برد. ایجاد محیط تحصیلی، رضایت از مسئولان و امکانات آموزشی در زندان از فعالیت‌های مهم در حوزه-ی بازپروری زندانیان است که امکان دسترسی به محیطی که فرد سواد آموخته و با آموزه‌های تربیتی آشنا شود، فراهم می‌گردد. مقاله حاضر با توزیع پرسش‌نامه میان ۲۳۹ نفر در زندان‌های مرکزی استان اصفهان و شهر کاشان، کارکردهای بازپرورانه اجرای این حق را مطالعه و میزان عملکرد زندان‌ها در دسترسی به محیط تحصیلی مطلوب و میزان رضایت زندانیان از مسئولان را ارزیابی می‌کند. پژوهش بر اساس هدف، توصیفی - تحلیلی و با روش پیمایشی است. یافته‌ها نشان می‌دهد با افزایش رضایت از امکانات تحصیلی، میزان رضایت از عملکرد مسئولان فرهنگی افزایش و با اجرای برنامه‌های آموزشی، تمایل به ارتکاب جرم کاهش می‌یابد. بررسی روابط بین متغیرهای بالا، می‌تواند در جهت ارتقای عملکرد زندان‌ها در زمینه بازپروری مجرمان برنامه‌ریزی‌های متناسب پیش‌بینی کند.

واژگان کلیدی: کارکردهای بازپرورانه، حق برخورداری از آموزش و پرورش، اصلاح و بازپروری، جلوگیری از تکرار جرم، سازمان زندان‌ها.

✉ saeedqomashi@yahoo.com

۱. کارشناس ارشد، رشته حقوق دانشگاه کاشان
۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)

مقدمه

حق برخورداری از آموزش و پرورش یکی از بارزترین حقوق بشری افراد به‌شمار می‌رود. از این روی، تمامی دولت‌ها و حاکمان صرف‌نظر از آن‌که اعضای جامعه تابع چه دین و آئینی هستند، ضمن رعایت حقوق برابر آنان از جهات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، متعهد هستند زمینه‌های مناسب را برای رشد و تعالی قشرهای مختلف فراهم آورند. از جمله حقوق بنیادین خانواده بشری، حق برخورداری از آموزش و پرورش است. اجرای این حق نقش به‌سزایی در جایگزین ساختن ارزش‌ها و هنجارهای متناسب با تحولات اجتماعی به صورت همگانی و گسترده در زندگی جمعی ایفا می‌کند. این ویژگی محدود به دوره خاص یا مکان معین نیست؛ بلکه هر انسانی در هر مکان و زمان می‌تواند از این حق بشری بهره‌مند گردد. به‌گونه‌ای که فرد از سنین کودکی قدم در این راه خواهد گذاشت و در تمام مراحل زندگی خود حتی زمانی که به دلیل ارتکاب جرم محکوم به مجازات می‌شود، از این حق برخوردار است. زیرا با ارتکاب جرم تنها مستحق مجازات می‌باشد و بازماندن او از دیگر حقوق خود خلاف حقوق اساسی وی است.

در اوایل قرن شانزدهم در لندن به دنبال تغییرات اقتصادی و سیاسی، هزاران نفر از دهقانان از مزارع خود محروم شده و بسیاری از آنان به شهرها مهاجرت کردند. این امر در حجم جرایم ارتكابی تأثیر گذارده و در پی آن شورای شهر لندن در پاسخ به "موج جرم و جنایت" اقدام به تأسیس تأدیپ‌گاه «بریدوتل» نمود. در آن زمان، برخلاف زندان، تأدیپ‌گاه اقدام به بازپروری زندانیان از طریق آموزش و حرفه‌آموزی کرد. سپس، این مرکز به‌عنوان یک الگو برای اصلاحات در زندان‌ها در سراسر جهان خدمت کرد (Leonard, 2012:83). در دو دهه پایانی سده نوزدهم، از یک سوی، تحولات علمی فراوانی در پرتوی اندیشه‌های معاصر رخ داد، از جمله تصویب قانون اصلاح و بازپروری مجرمین در سال ۱۹۷۴ که به محکومینی که فاقد سابقه کیفری بودند اجازه می‌داد به جامعه خویش بازگشته و حقوق آنان به‌واسطه ارتکاب جرم ضایع نگردد (Nacro, 2014:2). به دنبال آن، حقوقدانان معاصر شخصیت مجرم در بزه و حقوق وی از قبیل حق برخورداری از آموزش و پرورش را مطالعه کردند.

از سوی دیگر، صاحب‌نظران علوم اجتماعی در باره آموزش و پرورش و رابطه آن با زندگی اجتماعی افراد، نظریات قابل ملاحظه‌ای ابراز کرده‌اند. به عنوان نمونه، استاد نجفی ابرندآبادی برای آموزش و پرورش بنیان‌های متعدد تاریخی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی برشمرده و بیان می‌کند که آموزش و پرورش با استفاده از ابزارهای مناسب به دنبال شناساندن دوره‌های مختلف تاریخی، به انسان‌ها، تجربه‌آموزی، چگونگی رفتار با رخدادهای درونی و بیرونی، معرفی هنجار و ارزش‌های اجتماعی و غیره می‌باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۵۷۴). بنابراین، کار آموزش و پرورش فراهم کردن محیطی مساعد برای رشد اخلاقی و معنوی و تغییر رفتارهای اجتماعی افراد است. آماده کردن

افراد جهت سازگاری با محیط از جمله اهداف آن نیز می‌باشد. به این روی، برخی جامعه‌شناسان معتقدند آموزش و پرورش به عنوان زیربنا و الگوی توسعه در همه ابعاد زندگی انسان از نقش اساسی و با اهمیتی برخوردار است. زیرا تعلیم و تربیت با یادگیری سر و کار دارد و فصل ممیز انسان از حیوان است. مضافاً زمینه رشد انسان در ابعاد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی و شکوفایی استعدادها بالقوه را ایجاد می‌کند (نیلی احمدآبادی، ۱۳۹۲: ۱۷۷).

از آنجایی که اجرای حق برخورداری از آموزش و پرورش در شکل‌گیری فرهنگ صحیح و مشترک، شناسایی الگوهای رفتاری مناسب، جامعه‌پذیری انسان‌ها، رشد علمی جامعه و همچنین اصلاح هنجارهای نادرست مؤثر است، تبیین دقیق جنبه‌های این حق و اتخاذ سیاست‌های مناسب در راستای شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها، تقویت خودکنترلی آنان، کاهش گرایش انسان‌ها به ارتکاب بزه و پیشگیری از آن تأثیرگذار می‌باشد. بدین سان، برخی بر این نظرند که حق برخورداری از آموزش و پرورش از قابلیت‌های متعددی در زمینه‌ی شکل‌دهی شخصیت افراد از جمله ایجاد یک شخصیت متعادل و سازگار با ارزش‌ها برخوردار می‌باشد. همین خصیصه سبب شده تا در عرصه‌ی جرم‌شناسی، حق یادشده به شکل‌های گوناگون به کار گرفته شود؛ گاه در گستره‌ی جرم‌شناسی بازپروری/بالینی و گاه در پهنه جرم‌شناسی پیشگیری (نیازپور، ۱۳۹۱ الف: ۲۵).

در راستای اهمیت اجرای برنامه‌های بازپرورانه در بستر زندان‌ها، آمین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ در ذیل فصل چهارم با عنوان برنامه‌های بازپرورانه، زندان‌ها را ملزم به تهیه امکانات ضروری برای اجرای این حق کرده است. با توجه به علل و توجیحات بالا، نقش سازمان زندان‌ها در زمینه اجرای حق بر آموزش و پرورش برای اصلاح، تهذیب و بازگشت آبرومندانه فرد به جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است. این مقاله کوشش می‌کند به گونه‌ی کوتاه و مقتضی کارکردهای بازپرورانه اجرای این حق در اصلاح و درمان مجرمین و پیشگیری از تکرار جرم را بررسی کند و با مطالعه کمی در سطح کلاس‌های آموزشی در زندان‌های مطالعه شده در استان اصفهان (زنان و مردان) و شهرستان کاشان به‌عنوان نمونه پژوهشی، میزان عملکرد این نهادها را در تهیه امکانات لازم برای بهبود وضعیت کلاس‌های آموزشی در زندان بررسی کند و با مطالعه کاستی‌ها و موانع اجرایی موجود در سازمان زندان‌ها در حوزه‌ی اجرای مجازات، توجه نهاد‌های یاد شده را در بسترهای آموزشی متناسب با اوضاع و احوال مجرمین به خود جلب کند.

۱. پرسش‌ها و اهداف پژوهش

این مقاله با هدف شناخت نقش اجرای حق برخورداری از آموزش و پرورش در اصلاح و بازپروری بزهکاران و عملکرد سازمان‌های مسئول اجرای مجازات سالب آزادی در پی پاسخ این دو پرسش است:

۱. نقش حق بر آموزش و پرورش در اصلاح و پیشگیری از تکرار جرم چیست؟
۲. سازمان‌های مسئول در این باره چه عملکردی را می‌توانند ارائه کنند؟

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی و به صورت پیمایشی و از طریق پرسش‌نامه محقق ساخته انجام شده است. در این تحقیق، زندانیان زندان مرکزی استان اصفهان (زنان و مردان) و شهرستان کاشان (مردان) که در سال ۱۳۹۴ در کلاس‌های آموزشی و پرورشی در زندان مشغول به تحصیل بودند به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند. تعداد زندانیان با توجه به آمار ارائه شده توسط مسئولان فرهنگی در زندان مرکزی شهرستان اصفهان به ترتیب در زندان مردان ۵۰۹ نفر، در زندان زنان ۱۵۲ نفر و در زندان شهرستان کاشان (سومین زندان استان از نظر تعداد زندانی کیفری) ۱۳۷ نفر در کلاس‌های آموزشی و پرورشی شرکت کرده اند. حجم افراد نمونه با توجه به فرمول کوکران ۲۰۴ نفر تعیین شده است. به جهت اطمینان از صحت پاسخ‌ها و تقویت این پژوهش سعی بر آن بوده که افراد بیشتری از جامعه آماری (۲۳۹ نفر) مطالعه شوند.

به علاوه، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Spss 19 در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام شده است. در سطح توصیفی کوشش شده است از برخی شاخص‌های آماری نظیر توزیع درصدی با جدول Crosstab، میانگین داده‌ها و نمودارها استفاده شود و در سطح آمار استنباطی، متناسب با سطح سنجش داده‌ها، فرضیه‌ها و نوع آنان، آزمون T مستقل، آزمون F (تحلیل واریانس)، پس‌آزمون Tukey و ضریب همبستگی پیرسون به کار گرفته شود. در این پژوهش، از یک سوی برای سنجش روایی پرسش‌نامه‌ها از روایی محتوایی و صوری استفاده شده است به این ترتیب که در اختیار چندین متخصص در زمینه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی قرار گرفته است تا از طریق ویرایش و بازسازی از نظر انطباق سؤال‌های پرسش‌نامه با موضوع و اهداف پژوهش، روایی پرسش‌نامه تعیین گردد و از سوی دیگر برای سنجش پایایی پرسش‌نامه‌ها از ضریب آلفای کرانباخ استفاده شده است که ضریب پایایی به ترتیب در زندان مرکزی زنان استان اصفهان (۰/۸۷)، زندان مرکزی مردان همان استان (۰/۸۶) و در زندان مردان شهرستان کاشان (۰/۸۵) بیشتر از ۰/۷ است. بنابراین این آزمون نشان داد که اعتماد یا پایایی کلی پرسش‌نامه در حد بسیار خوبی قرار دارد.

۳. مبنای حقوق بشری اجرای حق بر خورداری از آموزش و پرورش

انسان در هر مکان و زمان، فارغ از تفاوت‌های مذهبی، جنسیتی و ملیتی، به صورت برابر مستحق بهره‌مندی از حقوق بشری خود به مثابه حقوق ذاتی و انفکاک ناپذیر می‌باشد. حقوق بشر انسان را تنها به

علت خصیصه انسان بودن دارای حقوق و آزادی می‌شناسد. برخی از محققین حقوق بشر را مفهومی عقلی دانسته که احترام بدان به عهده خود انسان واگذار شده و هرگاه به کمک تربیت اخلاقی مورد عمل همگانی واقع شود و به صورت یک اعتقاد و سنت جهانی درآید، علت و فلسفه وجودی این حقوق که به دلیل وجودی خود انسان وابسته است، محقق می‌گردد (لواسانی، ۱۳۸۴: ۲۸).

حقوق بشر تضمینی است برای همگون کردن زندگی اجتماعی انسان‌ها به نحوی که عدالت، آزادی و کرامت انسانی افراد بدون تبعیض و به‌طور منصفانه برای همه تأمین شود. به این روی، هر فردی به‌عنوان عضو یک جامعه باید از حقوق بنیادین خود که ناشی از نیازهای اساسی و ذاتی اوست، بهره‌مند شود تا از این طریق بتواند زمینه‌های رشد مادی و معنوی خود را فراهم کند. از جمله حقوق بشری افراد، حق برخورداری از تعلیم و تربیت است. فراهم نمودن مقدمات اجرای این حق به‌صورت برابر برای اعضای جامعه ضروری می‌باشد. در قبال حمایت اصول و قواعد مقرر حقوق بشری از حق بر آموزش و پرورش برخی اندیشمندان معتقدند آموزش و پرورش نیز باید به سمت رشد و تعالی شخصیت بشری، تقویت احترام و آزادی‌های اساسی هدایت شود و زمینه صیانت از صلح و ایجاد رابطه دوستانه در میان گروه‌های نژادی و مذهبی میان همه ملت‌ها را فراهم کند (byrone, 2013: 5).

در راستای تحقق عملی بخشیدن به اصول و قواعد بنیادین حقوق بشری، اعلامیه حقوق بشر یک دسته از قواعد و اصولی را پیش‌بینی کرده است که عدول از آن در هیچ برهه‌ای مجاز نیست. این قواعد مستقل از اراده دولت‌ها در وجدان بشریت ریشه دارد و نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت از قبیل حیات، آزادی و امنیت شخصی و... دسته دوم، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شامل حق آموزش و پرورش، حق مشارکت آزادانه در حیات فرهنگی و... است (مقصودی، ۱۳۹۴: ۱۳۸).

تصویب‌کنندگان اعلامیه یاد شده و همچنین کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، به دنبال شکوفایی همه‌جانبه شخصیت انسان، تقویت رعایت حقوق بشر، گسترش حسن تفاهم میان تمام ملت‌ها، در مراحل اولیه تدوین و فرموله کردن قوانین، پیش‌بینی حق بر آموزش و پرورش را با مفروضات مساوات طلبانه خود ضروری دانستند (Pirner, 2016: 139). همچنین، علاوه بر رسمیت بخشیدن به حق برخورداری از آموزش و پرورش برای همگان، اهمیت ارائه آموزش‌های علمی و حرفه‌ای به‌عنوان ابزاری برای اصلاح و تربیت و در پی آن، پیشگیری از تکرار جرم، در قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل متحد از جمله قطعنامه ۱۹۹۰/۲۲ درباره آموزش و پرورش در زندان نیز پیش‌بینی گردیده است

۴. شرایط و مقدمات اجرای حق برخورداری از آموزش و پرورش در زندان

باتوجه به بی‌سوادی و سطح سواد پایین اکثر محکومین به حبس، بیشتر کشورها درصد گسترش سطح سواد و سوادآموز کردن زندانیان می‌باشند. تا از این طریق مقدمات بازپروری آنان را فراهم کنند.

بر اساس دیدگاه برخی محققین اروپایی، ماهیت آموزش و پرورش در زندان‌های اروپاییه تبعیت از سیاست‌های شورای اروپا و اتحادیه اروپا تا حد زیادی متفاوت ارائه می‌شود و بر اهداف محدودی از قبیل آموزش برای اشتغال و یا تغییر رفتار زندانیان متمرکز می‌گردد (Warner, et al. 2014:105). برای مثال قانون پارلمانی رابرت پیل از سال ۱۸۲۳، قوانین قابل توجهی جهت اجرای برنامه‌های آموزشی و پرورشی در زندان‌های انگلیس تصویب کرد و مسئولان زندان‌ها را به برگزاری کلاس‌های آموزشی و پرورشی و همچنین تهیه تمامی لوازم و اقدامات مورد نیاز برای انتخاب مربیان و متخصصین در زمینه حرفه‌آموزی، ملزم کرد (Forster, 2013:175).

این امر واضح است که تا هنگامی که فرد زندانی در زندان به سر می‌برد برنامه زمانی او باید صرف آماده‌سازی وی برای بازگشت به یک زندگی اجتماعی و قانون‌مدارانه به هنگام آزادی شود. در این صورت زندان به‌عنوان بستر و زمینه اصلاح و بازپروری فرد نقش مهمی می‌تواند ایفا نماید. برخی بر این باورند وجود شرایطی مانند پایین بودن سن زندانی و بی‌سوادی یا کمی تحصیلات این امر را آسان‌تر می‌کند. وی معتقد است زندانی تازه‌وارد خواهان تعامل است و دوست دارد از جانب دیگران پذیرفته شود و در نتیجه هنجارها و معیارهای ارزشی زندانیان را می‌پذیرد و خود را با آنان مقایسه می‌کند و تمایل دارد از طرف آنان تشویق شود (عرفانی، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

باوجود شرایط و کارکردهای منفی زندان نمی‌توان از کارکردهای مثبت و بازپرورانه حاصل از عملکرد زندان‌ها در زمینه فراهم نمودن امکانات آموزشی و پرورشی متناسب با توانایی و قابلیت‌های زندانیان چشم پوشید. انجام برنامه‌های سوادآموزی و تربیتی در زندان، تأسیس کتابخانه‌های جدید، افزایش سطح دانش زندانیان و برگزاری دوره‌های کارآفرینی و کارآموزی در درون زندان و سایر امور آموزشی و پژوهشی را توسط مسئولان زندان دارای کارکردهای بازپرورانه برای مجرمان دانسته‌اند. در ادامه، میزان عملکرد زندان‌ها در دو بعد تهیه امکانات آموزشی و پرورشی و میزان رضایت مددجویان از مسئولان فرهنگی را مطالعه می‌کنیم.

۱.۴. ارزیابی عملکرد زندان‌ها در تهیه امکانات آموزشی و پرورشی

در زمینه نقد نظریه اصلاح و درمان از نظر اقتصادی [تأمین هزینه‌های زندانیان از جمله هزینه‌های تعلیم و تربیت]، بین صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد. معلوم نیست نظریه اصلاح و درمان تا چه حد مورد پذیرش جامعه است. جامعه‌ای که تا حد زیادی با مشکلات بیکاری، آموزش و پرورش، بهداشت شهروندان اجتماعی و غیر زندانی خود مواجه است، چگونه می‌تواند این گونه امکانات را برای افراد زندانی خود فراهم کند؟ آیا بهره‌مند ساختن افراد زندانی که قوانین را نقض کرده‌اند به

صورت برابر با کسانی که در طول زندگی خود به همان قوانین احترام گذاشته‌اند به منزله رعایت عدالت و مساوات است یا خیر؟

برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که برای رسیدن به اهداف اصلاحی باید به هر ابزاری که برای بازپروری لازم است، متوسل شد. تردیدی نیست که هزینه بقای نظام کیفری موجود، هزینه بالایی است، اما این هزینه نمی‌تواند نامحدود باشد. سؤال اینجاست که آیا مردم حاضر هستند در وضعیتی که اکثر شهروندان قانون‌مدار از امکانات اصلاحی و درمانی لازم محرومند، اجازه دهند این امکانات به مجرم‌ها اختصاص یابد؟ (Clarkson and Keating, 1998:58). در مقابل برخی معتقدند هر چند هزینه‌های اصلاح و درمان بالاست، اما باید توجه داشت که سلامت جامعه تا حدی می‌تواند از روش برخورد با مجرم‌ها سنجیده شود. فعالیت مجرمانه فقط از بدخواهی فرد ناشی نیست، بلکه به محیط اجتماعی او نیز مربوط می‌شود؛ رفتار مجرمانه نتیجه قصور مشترک فرد و جامعه‌ای است که او بخشی از آن است؛ در نتیجه جامعه باید تا حدی مسئولیت مجرم را بر عهده بگیرد و حداقل برای بازپروری مجرم تلاش کند. (استیفن تامیم، ۱۳۸۱: ۳۰). بدین ترتیب استحقاق مجرم دیگر بهانه‌ای برای توجه کمتر به وی نخواهد بود؛ اما در این راه نباید افراط کرد؛ چه اگر با محدودیت منابع قرار بر اولویت‌گذاری در برنامه‌ها باشد به سختی می‌توان قائل شد که برنامه اصلاح و درمان مجرم‌ها، اولویت‌های پیشگیر اولیه را تحت‌الشعاع قرار دهد. توجه بیشتر به مجرم‌ها تنها تا به عنوان جلوه‌ای از عدالت توزیعی قابل توجیه است. محرومیت اجتماعی مجرم‌ها، مستلزم تخصیص منابع به آنها باشد (یزدیان، ۱۳۹۱: ۱۱۷).

در نقد دیدگاه‌های فوق به نظر می‌رسد، هرچند زندانیان با ارتکاب جرم و نقض قوانین اجتماعی مستحق مجازات از جمله مجازات‌های سالب آزادی می‌گردند، لیکن این امر به معنی محرومیت ایشان از حقوق بشری و اساسی خود نیست بلکه تنها مستحق اجرای مجازات به عنوان سزای عمل خود می‌باشند. محرومیت آنان از حقوق خود، معارض با اساس عدالت و اهداف بازپرورانه است. اکثر زندانیان بنا به شرایط خانوادگی و محیطی قادر به تحصیل و یا ادامه آن نبوده و حرفه‌ای نیاموخته و شخصاً قادر به تنظیم برنامه‌های خود نمی‌باشند. از این رو برای سوادآموز کردن و پرورش افکار و شخصیت هنجارمند آنان، بایستی کلاس‌های علم‌آموزی و حرفه‌آموزی در زندان در قالب آموزش و پرورش عمومی، آموزش فنی و حرفه‌ای ایجاد گردد و جهت سازگار نمودن آنان با زندگی اجتماعی و گروهی از کلیه وسایل و لوازم در دسترس استفاده شود. از این راه، مشارکت زندانیان در گروه‌های هنری و پرورشی به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول اجرای روش‌های اصلاحی و تربیتی در زندان‌ها، فراهم می‌شود.

رسیدن به اهداف فوق نیازمند لوازم و امکانات ضروری و متناسب حال زندانیان می‌باشد. تا جایی که بند ز ماده ۱۸ آیین‌نامه یاد شده، ایجاد امکانات و تسهیلات لازم و مناسب به منظور تصدی امور بازپروری نظیر اصلاح، ارشاد، آموزش و بازسازی محکومان را از جمله وظایف سازمان زندان دانسته و از رهگذر ماده ۱۳۸، لوازم ضروری آموزش علمی از جمله تأسیس کتابخانه‌های مجهز با توجه به تعداد محکومان، تدارک وسایل آموزشی سمعی و بصری لازم و... را فراهم گردد. در تحقیق به‌دست آمده، برخی از برنامه‌های یاد شده ارزیابی گردیده است. با این توضیح که میزان نوارهای آموزشی، تعلیمات آموزشی و کمک درسی در زندان زنان استان اصفهان تا حدی (۰/۵۰) وجود دارد. در حالی که در زندان مردان در همین استان (۴۲/۲) و زندان مردان در شهرستان کاشان (۳۶/۹) میزان تهیه نوارهای آموزشی و کمک درسی به میزان زیاد و خیلی زیاد موجود است و در مجموع زندان‌ها نیز امکانات مذکور به میزان زیاد و خیلی زیاد (۳۹/۳) فراهم است. به علاوه امکان تهیه کتاب‌های کمک درسی و جزوه‌های آموزشی در بین مردان زندان مرکزی استان اصفهان (۵۷/۵) و زندان شهرستان کاشان (۴۲/۹) به میزان زیاد و خیلی زیاد وجود دارد در حالی که در زندان زنان، مسئولان تا حدی (۵۷/۱) توانسته اند کتاب‌های کمک‌درسی و آموزشی را برای زندانیان فراهم کنند و در مجموع زندان‌ها امکانات یاد شده به میزان زیاد و خیلی زیاد (۵۱/۱) موجود است.

در رابطه با میزان کمک به حل تمرین‌ها و رسیدگی به تکالیف درسی در هر یک از زندان‌های بررسی شده به ترتیب در زندان زنان استان اصفهان (۷۱/۴)، در بین مردان زندان همین استان (۴۹/۶) و در زندان شهرستان کاشان (۳۳/۴) به میزان زیاد و خیلی زیاد وجود دارد و در مجموع زندان‌ها نیز اقدامات یاد شده به میزان زیاد و خیلی زیاد (۴۵/۲) ارزیابی شده است. در زمینه میزان استفاده از کتابهای کتابخانه در زندان زنان مرکزی استان اصفهان تا حدی (۶۴/۳)، در حالی که در میان مردان در همین استان (۷۱/۶) و در زندان کاشان (۰/۷۵) امکان دسترسی به کتاب‌های کتابخانه زیاد و خیلی است و در مجموع زندان‌ها امکان استفاده از این کتاب‌ها به زیاد و خیلی زیاد (۷۰/۳) است. با وجود اینکه امکانات آموزشی در زندان‌ها تا حدی و به میزان زیاد است. اما در باب امکان خروج زندانیان از زندان برای ادامه تحصیل، عملکرد زندان‌ها بسیار ضعیف است به‌گونه‌ای که در زندان مرکزی استان اصفهان در بخش زنان (۷۸/۶) تا حدی وجود دارد و در زندان مردان در همین استان (۶۸/۸) و در زندان کاشان (۶۸/۹)، امکان فرستادن زندانیان به کلاس‌های آموزشی و پرورشی بیرون از زندان کم و خیلی کم است و در مجموع زندان‌های مطالعه شده امکان خروج زندانیان و شرکت در کلاس‌های آموزشی خارج از زندان کم و خیلی کم (۷۲/۴) است.

در میان زندان زنان مرکزی استان اصفهان میزان دسترسی مددجویان به کتاب‌های جدید و مختلف تا حدی (۰/۵۰)، در زندان مردان در همین استان به میزان زیاد و خیلی زیاد (۴۶/۱) و در زندان مردان کاشان امکان دسترسی مددجویان به این لوازم در زندان به میزان زیاد و خیلی زیاد (۶۴/۳) فراهم است. در مجموع زندان‌ها امکانات یاد شده نیز به میزان زیاد و خیلی زیاد (۵۱/۶) موجود است. همچنین میزان تهیه مقدمات برای انجام فعالیت‌های هنری و برنامه‌های آموزشی در هریک از زندان‌های بررسی شده به ترتیب در زندان زنان استان اصفهان (۷۱/۴)، زندان مردان در همین استان (۴۶/۱)، در زندان مردان شهرستان کاشان (۶۱/۹) و در مجموع این زندان‌ها (۵۳/۱) به میزان زیاد و خیلی زیاد وجود دارد.

۲.۴. میزان رضایت مددجویان از مسئولان فرهنگی

یکی از عملکردهای زندان در زمینه‌های تعلیم و تربیت، انتخاب آموزگاران و مربیان آموزشی از بین اشخاص مجرب و آشنا به علوم تربیتی و روان‌شناسی است که در راستای تحقق اهداف آموزشی نقش به‌سزایی دارد. برخی جرم‌شناسان بر این نظرند که این اشخاص با حضور در مرحله‌های مختلف فرآیند کیفری و ارائه خدمات پیرا قضایی، در بهبود وضعیت فردی و محیطی بزهکاران و پیشگیری از تکرار جرم آنان تأثیر می‌گذارند و با بهره‌جستن از تخصص‌ها و مهارت‌های خود، در صدد شناسایی مشکلات مجرمان و عوامل مؤثر در گرایش آنان به بزهکاری و سپس گزینش و اجرای مناسب‌ترین واکنش و راهکار اصلاحی - درمانی بر بزهکاران هستند تا از این راه، مشکلات آنان رفع شده و در نتیجه به سمت بازپذیری اجتماعی سوق یابند (نیازپور، ۱۳۸۸: ۶۶).

علاوه بر آموزگاران و مربیان آموزشی، برخی دیگر از مجریان فرهنگی زندان با انجام فعالیت‌های بازپرورانه در مرکز آموزشی و پژوهشی زندان به دلیل کسب اطلاعات و انجام فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقات کاربردی در زمینه علم کیفرشناسی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار هستند. این واحد دارای وظایف متعدد می‌باشد که اصلی‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: بررسی نیازهای آموزشی و پژوهشی زندانیان و کارکنان سازمان، تهیه و تنظیم برنامه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی با توجه به ضوابط، سیاست‌ها برای کارکنان سازمان و اجرای آن، بررسی و تعیین نیازهای آموزشی و پژوهشی و شناخت کمبودهای تخصصی مورد نیاز فعالیت‌های سازمان، برقراری ارتباط مستمر و مداوم با مراکز آموزش عالی و تحقیقاتی و پژوهشی به منظور دستیابی به روش‌ها و ساز و کارهای نوین پژوهشی، تعیین خط‌مشی‌ها و... در جهت رشد و تعالی مسائل اقدامات تأمینی و تربیتی، طراحی و نظارت بر تشکیل گروه‌های تحقیق. مرکز آموزش و پژوهش از رئیس، یک معاون، دو گروه (گروه آموزش و

پژوهش) و یک اداره اجرایی تشکیل می‌شود (مرکز آموزش و پرورش سازمان اقدامات تأمینی و تربیتی کشور).

در راستای تبیین نقش مسئولان فرهنگی، پژوهشی در باب ارزیابی عملکرد آنان از دیدگاه زندانیان صورت گرفته است. در هریک از زندان‌های مطالعه شده به ترتیب در زندان مرکزی زنان (۰/۱۰۰) و مردان (۸۰/۲) استان اصفهان و در زندان مردان شهرستان کاشان (۷۳/۸) سطح دانش معلمان خوب و خیلی خوب ارزیابی شده است و در مجموع زندان‌ها سطح دانش معلمان در سطح خوب و خیلی خوب ارزیابی شده است. درباره روش تدریس معلمان نیز در زندان مرکزی زنان استان اصفهان (۰/۱۰۰)، بین زندان مردان همین استان (۷۵/۲) و زندان کاشان (۷۰/۳) روش تدریس معلمان در کلاس‌های آموزشی و پرورشی خوب و خیلی خوب ارزیابی شده است. در مجموع، روش تدریس به میزان خوب و خیلی خوب (۷۴/۹) است.

همچنین در زمینه تجربه علمی مسئولان آموزشی و فرهنگی در هریک از زندان‌های مطالعه شده در زندان مرکزی زنان استان اصفهان (۰/۱۰۰) و بین مردان همین زندان (۰/۷۳)، زندان کاشان (۷۳/۸) خوب و خیلی خوب ارزیابی شده است و در مجموع روش تدریس به میزان خوب و خیلی خوب (۷۴/۹) است. در باب میزان تماس مسئولان فرهنگی با زندانیان در هریک از زندان‌ها به ترتیب در زندان مرکزی زنان استان اصفهان (۰/۱۰۰) و بین مردان همین زندان (۹۲/۹)، زندان کاشان (۸۸/۱) خوب و خیلی خوب ارزیابی شده است و در مجموع زندان‌ها میزان تماس زندانیان با مسئولان فرهنگی خوب و خیلی خوب (۷۰/۷) است.

۵. کارکردهای بازپروانه اجرای حق بر خورنداری از آموزش و پرورش

شرکت در کلاس‌های تعلیمی و تربیتی زمینه بازپذیری ارزش‌های جامعه را برای زندانیان فراهم می‌کند و به نوعی افراد را برای بازگشت به جامعه آماده می‌سازد. افلاطون گاه اصلاح بزهکار را به خنثی کردن گرایش‌های تبهکارانه مجرم تشبیه می‌کند بدین‌سان که بی‌عدالتی، کوچک یا بزرگ، که کسی مرتکب شده باشد، قانون او را از طریق آموزش و یا اجبار او را به سویی می‌برد که دیگر در آینده مرتکب آن نگردد یا در جهتی سوق می‌دهد که خیلی کمتر به بی‌عدالتی دست زند (به نقل از پرادل، ۱۳۸۸: ۲۴). توجه به شخصیت بزهکاران تا جایی ادامه یافت که مکتب‌های جدید مانند مکتب دفاع اجتماعی نوین با رسالت اصلاح و بازسازگار کردن مجرمین و تشکیل پرونده شخصیت برای آنان به وجود آمدند؛ این مکتب همواره هدف خود را تأمین دفاع جامعه و عقب راندن بزهکاری می‌داند، اما معتقد است که بهترین حمایت از جامعه، یعنی موثرترین و هم‌زمان انسانی‌ترین آن، تحقق امر سازگار ساختن مجدد بزهکاران با اجتماع از طریق کلیه وسایل و

امکاناتی که قادر باشد در عین رعایت شأن و کرامت و کمک به بازیافتن احساس مسئولیت اجتماعی نزد آنان، بر شخصیتشان تأثیر گذارد (بولک، ۱۳۹۱: ۵۱).

آموزش و پرورش در قالب آموزش عمومی، نقش به‌سزایی در بازسازی مجرمین، جایگزین ساختن ارزش‌ها و هنجارهای متناسب با تحولات اجتماعی و بهبود سطح زندگی افراد در زندگی جمعی ایفا می‌کند. اجرای برنامه‌های آموزشی و پرورشی اثرات مطلوب و ماندگاری بر ویژگی‌های اخلاقی، فردی و اجتماعی مجرمین می‌گذارد و رفتارهای خشن و ناهنجار آنان را تعدیل می‌کند. این افراد با شرکت در کلاس‌های آموزشی و پرورشی می‌توانند مشکلات خویش را بهتر شناسایی و نحوه برخورد آنان را فرا گیرند. برخی اظهار می‌دارند که آموزش و پرورش تأثیر به‌سزایی در رشد و پرورش افکار و نحوه رفتار فرد دارد (Miceli, 2009:5). از این‌رو، برخورداری از آموزش و پرورش به عنوان یک حق همگانی و بشری برای افراد پیش‌بینی گردیده تا بتوانند از طریق بهره‌مندی از این حق، سازگاری خود با محیط اجتماعی را تأمین کنند و در پرتو تعامل با محیط آموزشی، مطالعه کتاب‌های گوناگون، برخورد با معلمان و مربیان و غیره، از یک سو سوادآموز و از سوی دیگر، پرورش یابند. در این مبحث به بررسی جداگانه کارکردهای بازپرورانه اجرای برنامه‌های آموزشی و پرورشی می‌پردازیم.

۱.۵. کارکردهای فرهنگی - اجتماعی

هر جامعه دارای قشرهای مختلف و آداب و رسوم گوناگون است؛ در این راستا آموزش و پرورش وسیله‌ای برای تبدیل یک جامعه ناهمگون به یک جامعه واحد و مشترک است که از این طریق می‌توان توسعه و ترویج فرهنگ مشترک را فراهم نمود. جامعه‌شناسان اجتماعی کردن افراد یک جامعه را به عنوان یکی از کارکردهای عمومی آموزش و پرورش پذیرفته‌اند و جامعه‌پذیری را همسازی و هم‌نوایی با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و مشترک می‌دانند. از منظر کارکردگرایی (Functionalism) و دورکیم، اجتماعی شدن موضوع بسیار اساسی و حیاتی در حفظ نظم و انسجام اجتماعی است. بر پایه دیدگاه کارکردگرایانه، جریان اساسی‌تری که نظم اجتماعی و هماهنگی و تداوم جامعه بر آن استوار است، اجتماعی شدن است. یعنی این‌که اجتماع بتواند از ساز و کارها و شیوه‌هایی استفاده کند تا بر اساس آن تکالیف تداوم پیدا کند و افراد آن‌ها را به دل‌خواه خودشان به‌عنوان تکلیف اخلاقی عمل کنند (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۱۶). دورکیم نیز درباره آموزش و پرورش و رابطه آن با انسجام اجتماعی معتقد است: جامعه هنگامی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد که بین اعضای آن به میزان کافی همگونی وجود داشته باشد. تعلیم و تربیت از

ابتدا همانندی‌های مورد نیاز جمعی را در فرد تثبیت و از این راه، همگونی مذکور را تنفیذ و تقویت می‌کند (دورکیم، ۱۳۶۸: ۹۱).

در رابطه با کارکرد فرهنگی اجرای حق بر آموزش و پرورش نیز باید دانست آموزش و پرورش هر کشور نشان دهنده فرهنگ بومی و حاکم بر آن کشور است و ارتباط مستقیمی با پیشگیری از وقوع و تکرار جرم دارد. زیرا فرهنگ هویت فردی و اجتماعی انسان را ارتقاء می‌بخشد و افراد کمتر مرتکب جرم می‌شوند. این آثار در زندان به‌عنوان بخشی از جامعه که افراد گوناگون با فرهنگ‌های مختلف برای مدتی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، دیده می‌شود. بدین معنی که اگر سطح فرهنگ و قدرت تفکر زندانیان افزایش یابد، قطعاً در تکرار جرم توسط آن‌ها چه در داخل زندان‌ها یا بعد از آزادی تأثیر مثبت دارد. ترویج فرهنگ مشترک از طریق برنامه‌های فرهنگی در اوقات بیکاری زندانیان می‌تواند جایگزین فراگیری شیوه‌های ارتکاب جرم و سایر موضوعات منفی گردد.

در زمینه کارکردهای فرهنگی - اجتماعی، برنامه‌های آموزشی و پرورشی در زندان، بر اساس پژوهش میدانی بدست آمده در هر یک از زندان‌ها به ترتیب زندان مرکزی زنان استان اصفهان بالاترین درصد (۵۷/۲)، میان زندانیان مرد در همان استان نیز بالاترین درصد (۵۸/۲) و در مورد زندانیان مطالعه شده در زندان کاشان بالاترین درصد (۶۱/۹) موافق و کاملاً موافق هستند که شرکت در کلاس‌های آموزشی موجب آشنایی آنها با آداب و رسوم مختلف می‌شود و در مجموع زندان‌ها ۵۹/۴ درصد موافق و کاملاً موافق با این امر می‌باشند. در رابطه با رعایت احترام از سوی سایر زندانیان به‌عنوان کارکرد شرکت در کلاس‌های آموزشی در بین هریک از زندان‌های مطالعه شده به ترتیب در زندان زنان مرکز استان اصفهان بیشترین افراد (۰/۵۰)، در بین مردان در همان استان بیشترین درصد (۵۹/۶) و در زندان مردان شهرستان کاشان (۵۷/۲) موافق و کاملاً موافق هستند که با شرکت در کلاس‌های آموزشی و برنامه‌های پرورشی در زندان، سایر زندانیان به آنان احترام می‌گذارند. در مجموع زندان‌ها نیز ۵۸/۲ درصد افراد موافق و کاملاً موافق با این امر هستند.

۲.۵. کارکردهای مالی - اقتصادی

یکی کارکردهای عمده نظام آموزش و پرورش تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد در علوم گوناگون است تا از این راه نیاز جامعه به نیروی کار ماهر و متخصص را برطرف کند. برخی جامعه-شناسان کارکرد مالی - اقتصادی آموزش و پرورش را در تربیت تخصصی و حرفه‌ای افراد جامعه خلاصه می‌کنند. یعنی آماده کردن آنان برای جذب به‌عنوان نیروی کار. بدین ترتیب، آموزش و پرورش نقش مهمی در گزینش و تخصیص افراد به مقامات و مشاغل اجتماعی ایفا می‌کند. نحوه عملکرد افراد در مدارس، طول مدت تحصیل و رشته تحصیلی، در تعیین شغل، درآمد و منزلت

اجتماعی آینده آنان تأثیر به‌سزایی دارند. از این رو آموزش و پرورش رسمی، سهم مهمی در تسهیل تحرک اجتماعی افراد بر عهده دارد (کلاه مال همدانی، ۱۳۹۰: ۳۲).

در مقابل، گرچه زندان به‌عنوان یک نهاد تا اندازه‌ای توانسته با جمع کردن مجرمان در سطح اجتماع، از وقوع مجدد جرائم در یک دوره زمانی جلوگیری کند، اما با حبس افرادی که مسئول اقتصادی خانواده هستند، زیان‌هایی به کانون خانواده و اقتصاد آن وارد کرده و اخلاق و روحیه روانی افراد را از بین برده و خانواده را به سمت نابودی سوق می‌دهد. به سخن دیگر، فرد محروم از امکانات اقتصادی، ممکن است برای ارضاء حوائج خود بعد از آزادی درگیر مجدداً مرتکب جرم گردد. برخی اظهار می‌دارند بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی در زندان موجب کاهش بزهکاری مجدد و گرایش‌های مجرمانه حداقل در جرایم مالی می‌گردد (محسنی، ۱۳۹۴: ۳۴۱).

بنابراین، با توجه به اینکه مشکلات مالی و اقتصادی در زندان تا حد زیادی به آثار سوء و مخرب زندان دامن می‌زند، ایجاد کار در زندان، زندانیان را پس از رهایی از زندان یاری می‌نماید تا با احترام به قانون زندگی شرافتمندانه‌ای را در پیش گیرند و آنان را قادر سازد که بر مشکلات مالی زندگی فائق آمده و حوائج و ضروریات زندگی خود را از راه‌های صحیح و قانونی مرتفع نمایند و از این طریق زمینه اصلاح و بازسازی آنها فراهم می‌گردد. در بین هریک از زندان‌های مطالعه شده بالاترین درصد فراوانی (۵۰٪) در میان زنان مورد مطالعه موافق و کاملاً موافق هستند که شرکت در کلاس‌های آموزشی تا حدودی زمینه یافتن شغل را برای آنان ایجاد می‌کند. بالاترین درصد (۶۸/۱) مردان در زندان مرکزی استان اصفهان موافق و کاملاً موافق این امر هستند. در میان زندانیان مورد مطالعه در زندان کاشان بالاترین درصد (۵۴/۷) نیز موافق و کاملاً موافق هستند و شرکت در کلاس‌های آموزشی را برای بدست آوردن شغل مناسب موثر دانسته و معتقدند که بعد از آزادی می‌توانند به شغل خوب و مناسب دست یابند. در مجموع زندان‌ها نیز ۶۲/۴ درصد افراد نتایج بالا را تأیید می‌کنند.

۳.۵. کارکردهای بعد از آزادی

با حضور طولانی مدت زندانی در زندان ارتباط اجتماعی او با دنیای بیرون کاملاً قطع شده و نسبت به تحولات دنیای بیرون نا آشنا می‌گردد. زندانیان به هنگام آزادی با مشکلات و کمبودهای فراوان مواجه می‌شوند که اغلب آنها نیازمند مداخلات و اقدامات کاربردی و دستیابی به راهکارهای مناسب توسط مددکاران و مسؤولان فرهنگی زندان است. کنترل و نظارت خارج از زندان، و برقراری پل ارتباطی بین سیستم مددجو با مسؤولان زندان، نهادها، سازمان‌های دولتی و مردم‌نهاد (N.G.O) نقش مؤثری ایفا می‌کند و می‌تواند برنامه‌های داخل زندان را به صورت مستمر و مؤثر

بعد از آزادی ادامه دهد. چنانچه برخی از محققان راه‌های زیادی را برای ایجاد جذابیت، کیفیت و بهروری از آموزش و پرورش در زندان و خارج از آن برشمرده‌اند از جمله افزایش همکاری در داخل زندان بین افراد و همچنین رابطه بین زندانیان با انجمن‌ها جهت اطمینان از اینکه زندانیان می‌توانند بعد از آزادی ادامه تحصیل دهند (Murphy, 2013:6).

باتوجه به مراتب بالا باید دانست کارکرد اجرای برنامه‌های آموزش و پرورش در زندان در ایجاد عوامل و زمینه‌های ادامه تحصیل بعد از آزادی چیست؟ آیا اشتغال به تحصیل در زندان می‌تواند با ایجاد یک نگرش مثبت به ادامه تحصیل در نزد زندانیان، آن را عامل موفقیت فردی و اجتماعی تلقی کرده و با احساس رضایت از برنامه‌های آن، در صدد ادامه تحصیل برآید و آن را تنها عامل دستیابی به اهداف و خواسته‌های خود بداند؟ در پاسخ می‌توان گفت در صورتی که افراد نسبت به موضوع درس شناخت و آگاهی کسب کنند و نگرش‌های مثبت و سازنده نسبت به زندگی اجتماعی در آن‌ها ایجاد شود و در عمل نیز مهارت‌های لازم و کاربردی فرا گیرند، آموزش و پرورش می‌تواند تأثیرگذار باشد. در غیر این صورت شرکت در کلاس‌های آموزشی و پرورشی در زندان تنها به عنوان یک عادت و گذران اوقات در نزد زندانیان باقی مانده و آثار عملی خود را از دست خواهد داد و هیچ گونه تضمینی وجود ندارد که زندانی بتواند بعد از رهایی از زندان از توانایی‌ها و مهارت‌هایی که در زندان کسب کرده است، پس از آزادی بهره‌ای ببرد.

بنابراین در راستای اجرای برنامه‌های بازپرورانه پس از تحمل مجازات حبس، سازمان زندان‌ها بایستی با کمک نهادهای مردمی و سازمان‌های مدنی فرد رها شده را کنترل و حمایت خود قرار دهد. زیرا بر اساس دیدگاه برخی محققین اجرای کلیه مراحل و تدابیر بازپذیری اجتماعی بزهکاران، صرفاً در محیط بسته زندان قابل اجرا نیست و برای رفع عوامل وضعی موجب جرم، از رهگذر کنترل و مراقبت وضعی و فردی بزهکاران بالقوه و همچنین سوق‌دهی شخص به سمت بسترهای اجتماعی، لازم است شخص بزهکار در محیط باز جامعه تحت نظارت و مراقبت مؤثر قرار گیرد تا از این طریق، از سویی موضوع، ماهیت و اهداف اقدامات اصلاحگر با بستر اجرای آن مطابقت داشته و به واقعیت نزدیک باشد و از سوی دیگر با کنترل مؤثر فرد رها شده از زندان و محیط اجتماعی، از سوق‌یابی بزهکاران به سمت تکرار جرم پیشگیری شود. (افراسیابی، ۱۳۸۹: ۳۶)

با این حال آموزش و پرورش در زندان در عمل کارکردهای بعد از آزادی را در میان زندانیان به جود آورده است. برای نمونه، در هر یک از زندان‌های مطالعه شده به ترتیب زنان بالاترین درصد (۶۴/۳)، در میان زندانیان مرد در زندان مرکزی این استان نیز بالاترین درصد (۵۶/۱) و در مورد زندانیان در زندان کاشان بالاترین درصد (۴۷/۶) موافق و کاملاً موافق‌اند که بعد از آزادی به ادامه

تحصیل پرداخته و آن را به عنوان اولین فعالیت انتخاب خواهند کرد و در مجموع زندان‌ها بالاترین درصد (۵۱/۱) موافق و کاملاً موافق با این امر هستند.

درباره یکی دیگر از آثار مثبت مشارکت در کلاس‌های آموزشی داخل زندان، آماده ساختن زندانیان برای داشتن زندگی سالم بعد از آزادی است؛ در میان زندانیان زن بالاترین درصد (۷۱/۵)، در میان زندانیان مرد در زندان مرکزی استان اصفهان نیز بالاترین درصد (۶۵/۳) خود را برای داشتن زندگی سالم در آینده بعد از آزادی از زندان آماده دانسته‌اند. و زندانیان مطالعه شده در زندان کاشان بالاترین درصد (۷۱/۴) کاملاً موافق هستند که با حضور در کلاس‌های آموزشی مطالبی فرا گرفته‌اند که آنان را برای داشتن زندگی خوب مانند سایر افراد جامعه آماده کرده است. در مجموع زندان‌ها نیز ۶۷/۸ درصد افراد موافق و کاملاً موافق با این موضوع هستند. در زندان زنان کلیه افراد (۱۰۰/۰) خواهان زندگی خوب با خانواده خویش هستند و در میان زندانیان مرد در زندان مرکزی استان اصفهان نیز بالاترین درصد (۹۰/۸) و بالاترین درصد از زندانیان بررسی شده در زندان کاشان (۹۶/۴) به داشتن زندگی خوب با خانواده خود بعد از آزادی از زندان تمایل دارند و در مجموع زندان‌ها ۹۳/۳ درصد افراد موافق و کاملاً موافق این امر هستند

۴.۵. پیشگیری از تکرار جرم

از دغدغه‌های مهم نظام عدالت کیفری و مشکلات اساسی مراکز تأمینی - تربیتی تحمیل هزینه بازگشت زندانیان آزاد شده به جرم سابق یا جدید و اعاده به زندان‌هاست. برخی بر این باور هستند که ورود مجرم به فرآیند رسیدگی کیفری و صرف مجازات او نه تنها راهکار مؤثری در پیشگیری از جرم نمی‌باشد، بلکه موجب بدنامی و اطلاق انگ کجرو یا «مجرم» بر مرتکب شده، که این مسئله خود توأم با آثار منفی است و در قالب تغییر نگرش فرد نسبت به خود و نیز نگاه متفاوت به او از جانب دیگران ظاهر می‌شود. (سلیمی، ۱۳۹۵: ۱۹۸). مجازات زندان به مثابه واکنش جامعه از این آثار مستثنی نمی‌باشد. لکن اصلاح و بازپروری بزهکاران زمینه آماده سازی آنان را برای بازگشت به زندگی اجتماعی و قانونمدارانه، تا حد زیادی می‌تواند از کارکردهای منفی مجازات زندان بکاهد.

جدایی کوتاه یا دراز مدت قبلی زندانیان از ساختارهای کلان جامعه یکی از مسائل مهم برای زندانیان آزاد شده، به شمار می‌رود که با نوعی شکاف و جدایی اجتماعی و اقتصادی همراه است. این شکافت و فقر ارزشی و مالی را می‌توان بستری برای بازگشت به جرم در آنها دانست (اسدالهی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۵۱). اما پرسش اساسی این است که با اتخاذ تکرار جرم به عنوان معیار موفقیت یا شکست نظام عدالت کیفری در زمینه اجرای برنامه‌های اصلاح و بازپروری، آیا تکرار جرم بعد از رهایی از زندان به معنای عدم تأثیر برنامه‌های اجرایی در باب آموزش علمی و

فرهنگی است یا خیر؟ در پاسخ باید گفت با فرض این که برنامه‌های آموزشی در داخل زندان مفید و مؤثر واقع می‌شوند اما عوامل دیگری ممکن است بر نتایج برنامه‌های یاد شده تأثیر بگذارند و بزهکار را بعد از رهایی از زندان بار دیگر به سوی ارتکاب مجدد جرم بکشاند. با این توضیح که ممکن است بزهکار بی‌سواد یا دارای تحصیلات پایین حسب مورد در داخل زندان سواد بیاموزد یا ادامه تحصیل دهد و از این موضوع احساس رضایتمندی و خشنودی نموده و از رفتارهای مجرمانه خود رویگردان شود، اما بعد از رهایی از زندان و بازگشت به جامعه، به علل گوناگون مانند فقر یا بیکاری مجدداً مرتکب جرایمی گردد.

در این باره نمی‌توان گفت که برنامه‌های آموزش و پرورش در سطح مجازات‌های سالب آزادی به صورت مطلق فاقد اثر اصلاحی و تربیتی بوده‌اند. زیرا این برنامه‌ها در داخل زندان به صورت کوتاه مدت اجرا می‌گردند و قادر به کنترل فرد در خارج از زندان نخواهند بود و از طرفی نمی‌توان انتظار داشت عوامل مؤثر در ارتکاب جرم مانند بی‌سوادی، بیکاری و فقر که در زمان طولانی وجود داشته و فرد مدت زیادی از عمر خود را با آن ویژگی یا عامل سپری کرده است، با آموزش کوتاه مدت در داخل زندان از بین برود. بلکه این امر نیازمند مدت طولانی بعد از آزادی است. به سخن دیگر، اجرای برنامه‌های آموزشی و فرهنگی زمانی به عنوان یک وسیله برای جلوگیری از ارتکاب جرم به کار می‌رود که نظام عدالت کیفری در کنار برنامه‌های یاد شده اقدام به طرح برنامه‌های مؤثر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کارآفرینی کند.

یک مثال از این گونه سیاست‌ها، مراکز مراقبت بعد از خروج زندانیان به‌شمار می‌رود، این مراکز در جهت اصلاح و تربیت زندانیان با هدف پیشگیری از وقوع جرم از طریق حمایت مادی و معنوی از زندانیان آزاد شده و فراهم نمودن زمینه مساعد جهت بازگشت آنان به یک زندگی سالم اجتماعی در مرکز هر استان و در صورت نیاز در شهرستان‌ها، اداره مراقبت بعد از خروج زندانی تشکیل می‌شود که با اهداف ایجاد زمینه جهت کارآموزی، اشتغال، ازدواج، ادامه تحصیل، تأمین مسکن و اعطای تسهیلات وام بانکی برای زندانیان آزاد شده قادر خواهند بود خدمات ارزنده‌ای ارائه نمایند (خاکشور، ۱۳۹۵: ۳۲). با توجه به مراتب بالا، تحقیقات بدست آمده نشان می‌دهد در زندان زنان استان اصفهان بالاترین درصد (۵۷/۲) و زندان کاشان نیز بالاترین درصد (۴۸/۸) موافق و کاملاً موافق هستند که زندان می‌تواند زندانی را اصلاح کند. در حالی که در میان زندانیان مرد در زندان مرکزی استان اصفهان نیز بالاترین درصد (۴۳/۳) مخالف و کاملاً مخالف کارکرد اصلاحی زندان هستند. در پی آن طبق جدول شماره ۶ در زندان زنان بالاترین درصد (۰/۱۰۰)، در میان زندانیان مرد در زندان مرکزی استان اصفهان نیز بالاترین درصد (۶۹/۸)، از زندانیان مورد مطالعه و در زندان کاشان بالاترین درصد (۹۰/۵) مخالف و کاملاً مخالف هستند که

بعد از آزادی از زندان مجدداً مرتکب جرم شوند. در مجموع زندان‌ها ۷۸/۷ درصد افراد مخالف و کاملاً مخالف تکرار جرم بعد از رهایی از زندان هستند.

۵.۵. کارکرد پرورش و رشد شخصی

مجازات‌ها فراز و نشیب‌هایی را در طول تاریخ گذرانده‌اند. یکی از انواع مجازاتی که برای مقابله با جرایم در جوامع مختلف بشری از آن استفاده می‌کنند، زندان است. در اکثر کشورهای جهان این امر یکی از مهم‌ترین ابزارهای دفاع اجتماعی در مقابل پدیده جرم و شخص مجرم به حساب می‌آید. برخی بر این نظرند که اثر زندان نه تنها در سلب آزادی محکوم خلاصه نمی‌شود بلکه بر تمامیت جسمانی و روانی او نیز تأثیر گذار است (بیگدلی، ۱۳۸۷: ۴۵) و سلامت جسم، ذهن و روح زندانیان را تهدید می‌کند. در حقیقت نگهداری محکومین در زندان اخلاق و روان آنها آسیب می‌رساند، هویت آنها را از بین می‌برد و اختلالات گوناگون در شخصیت وی ایجاد می‌کند که نتیجه آن اطاعت کورکورانه از سایر زندانیان است که در آن فرد آزادی و اعتماد به نفس خویش را از دست می‌دهد، یا برعکس، حالت طغیان و پرخاشگری روز افزون است.

به‌علاوه، مارک آنسل درباره زندان و آثار آن بر زندانی بیان می‌کند که زندان منجر به قطع رابطه زندانی با زندگی عادی، کار و دوستان او می‌شود. این مجازات فرد را در محیطی مصنوعی که به معنی واقعی ضد اجتماعی است قرار می‌دهد. در همین جاست که باید سخنی پیرامون مساله "بازپروری اجتماعی" به میان آید (مارک آنسل، ۱۳۷۰: ۹۲). بدین معنی که با انجام اقداماتی در داخل زندان بازپذیرسازی اخلاقی و اجتماعی مجرم فراهم شود به گونه‌ای بعد از آزادی مرتکب خطا و جرم نشود. همچنین شکوفا کردن استعدادها و آموختن مهارت‌ها متناسب با توانایی‌های افراد موجب اصلاح و درمان بزهکاران می‌گردد؛ بدین معنا که آنان در پرتوی خودآگاهی نیازها و استعدادهای خود را کشف و راه‌های پاسخ‌دهی به آن‌ها را شناسایی کرده و آن‌ها را سامان‌دهی و هنجارمند می‌کنند و به خودآگاهی می‌رسند و از رهگذر همین خودآگاهی قدرت ارزش‌گذاری و خودآیینی که از شاخصه‌های شگفت‌انگیز کرامت انسانی است پیدا می‌شود (قماش، ۱۳۹۳: ۷۵) و در سایه آن از ارتکاب مجدد جرایم جلوگیری می‌کند.

لازم به ذکر است در جریان آموزش و پرورش باید نیازهای فردی شناخته شود. درعین‌حال، تهیه مقدمات جهت رفع این‌گونه نیازها و زمینه‌سازی برای رشد و تعالی فرد از اهم مسئولیت‌های آموزش و پرورش است. برخی جامعه‌شناسان آماده ساختن فرد برای درک و شناخت بهتر محیط و واکنش متناسب با رشد ذهنی و عقلی، رشد خصوصیات شخصیتی - که منجر به پیدایش شاکله کنجکاو، فعال، جستجوگر گردد - را از مسئولیت‌های اساسی آموزش و

پرورش در دنیای امروز می‌دانند. (آقازاده: ۱۳۸۶، ۱۲۵). بدین گونه که از طریق آموزش «خویش‌بانی» و تمرین در انجام کارهای خوب، تشویق به انجام رفتارهای مطابق هنجارهای اجتماعی و تقویت سلامتی و بهزیستی مددجویان در برخی پادگان‌ها، برنامه‌های مشاوره آموزشی، ترک اعتیاد به مواد مخدر و الکل و سایر مشاوره‌ها جهت تقویت توان مددجویان برای رعایت قانون ارائه می‌شود (غلامی: ۱۳۸۸: ۵۸۵).

در هر یک از زندان‌های مطالعه شده به ترتیب در زندان زنان بالاترین درصد (۶۴/۳)، در میان زندانیان مرد در زندان مرکزی استان اصفهان نیز بالاترین درصد (۷۱/۲) و درباره زندانیان زندان کاشان بالاترین درصد (۷۰/۲) موافق و کاملاً موافق هستند که با شرکت در کلاس‌های آموزشی بهتر می‌توانند استعدادها و مهارت‌های خود را بشناسند. در مجموع نیز ۷۰/۳ درصد زندانیان موافق و کاملاً موافق این امر هستند. همچنین در هر یک از زندان‌های مطالعه شده به ترتیب در زندان زنان بالاترین درصد (۷۱/۵)، در میان زندانیان مرد در زندان مرکزی استان اصفهان نیز بالاترین درصد (۶۵/۳)، در مورد زندانیان در زندان کاشان بالاترین درصد (۶۶/۶) موافق و کاملاً موافق هستند که با شرکت در کلاس‌های آموزشی بهتر می‌توانند رفتارهای خود را کنترل کنند. در مجموع زندانیان ۶۶/۱ درصد موافق و کاملاً موافق این امر هستند. در زمینه برنامه‌های پرورشی - مذهبی در هر یک از زندان‌ها به ترتیب بالاترین درصد فراوانی (۹۱/۹) در میان زنان در زندان مرکزی استان اصفهان بالاترین درصد فراوانی (۸۶/۵) در میان مردان در زندان مرکزی همان استان و در میان زندانیان زندان کاشان بالاترین درصد (۷۷/۴) موافق و کاملاً موافق هستند که شرکت در برنامه‌های پرورشی - مذهبی در زندان موجبات آرامش و تقویت روحیه مذهبی آنان را فراهم می‌کند. در مجموع ۷۸/۸ درصد موافق و کاملاً موافق این موضوع هستند.

به‌علاوه بالاترین درصد فراوانی (۹۲/۹) در میان زنان موافق و کاملاً موافق شرکت در کلاس‌های آموزشی و پرورشی با هدف یادگیری خواندن و نوشتن هستند. بالاترین درصد فراوانی (۸۶/۵) در میان مردان در زندان مرکزی استان اصفهان نیز موافق و کاملاً موافق با شرکت در کلاس‌های آموزشی با هدف یادگیری هستند، در زندان کاشان نیز بالاترین درصد (۷۷/۴) از میان زندانیان موافق و کاملاً موافق هستند. در مطالعه مجموعی بیشترین میزان درصد فراوانی (۸۳/۷) شرکت‌کنندگان با هدف یادگیری خواندن و نوشتن موافق و کاملاً موافق هستند. همچنین در هر یک از زندان‌های مورد مطالعه به ترتیب بالاترین درصد فراوانی (۷۱/۴) در میان زنان در زندان مرکزی استان اصفهان، بالاترین درصد فراوانی (۶۳/۲) در میان مردان در زندان مرکزی همان استان و در میان زندانیان در زندان کاشان بالاترین درصد (۷۷/۴) موافق و کاملاً

موافق هستند که تماس با مسئولان فرهنگی در زندان در حل مشکلات روحی به آنان کمک می‌کند. در مجموع ۶۶/۶ درصد موافق و کاملاً موافق این موضوع هستند.

۶. تحلیل استنباطی پژوهش

باتوجه به این‌که اهداف پژوهش - کارکردهای بازپرورانه اجرای حق برخورداری از آموزش و پرورش در زندان، شرایط برگزاری کلاس‌ها و اجرای برنامه‌های یاد شده، میزان عملکرد نهاد زندان‌ها در دسترسی به محیط تحصیلی مطلوب در بستر زندان و میزان رضایت زندانیان از مسئولان فرهنگی در زندان - مطالعه شد. حال در راستای پاسخ علمی به هریک از سوال‌های یاد شده ابتدا متناسب با سطح سنجش داده‌ها، فرضیه‌ها و نوع آنان، آزمون T مستقل، آزمون F (تحلیل واریانس)، پس آزمون Tukey استفاده می‌کنیم. سپس با ضریب همبستگی پیرسون معنادار بودن بودن رابطه هریک از متغیرها و میزان تأثیر هر یک از آنان بر دیگری را مطالعه می‌کنیم.

۱.۶. آزمون فرضیه‌های تحقیق

طبق جدول شماره ۱ سطح معناداری آزمون (F) بین متغیر کارکردهای آموزش و پرورش بر حسب نوع زندان (sig: ۰/۰۱۱) کمتر از سطح معناداری (sig: ۰/۰۵) است. این امر نشان‌دهنده آن است که به احتمال ۹۵ درصد فرضیه صفر (عدم تفاوت) رد می‌شود. بدین معنا که کارکرد برنامه‌های آموزشی و پرورشی بر حسب نوع زندان متفاوت است. بنابراین کارکردهای اصلاحی در زندان مردان شهرستان کاشان با بالاترین میانگین (۴/۱۵) و به ترتیب زندان زنان مرکزی استان اصفهان با میانگین ۴/۰۵ و زندان مرکزی مردان استان اصفهان با میانگین ۳/۹۰ بالاتر از حد متوسط میانگین است و فرض پژوهش پذیرفته می‌شود. البته باید دانست که این تفاوت معنادار بین زندان مردان کاشان و زندان مردان اصفهان است و با توجه به جدول شماره ۱-۲ وجود علامت ستاره دلیل بر وجود تفاوت معنادار فقط بین این دو زندان است. با این توضیح، بین زندان زنان مرکز استان اصفهان با زندان مردان کاشان تفاوت معنادار وجود ندارد.

جدول شماره ۱: نتایج آزمون F متغیرهای آموزش و پرورش در زندان بر حسب نوع زندان

متغیر	نوع زندان	میانگین	آزمون F
کارکرد آموزش و پرورش	زندان زنان مرکزی استان اصفهان	۴/۰۵	۴/۵۷۸ ۰/۰۱۱
	زندان مرکزی مردان استان اصفهان	۳/۹۰	
	زندان مردان شهرستان کاشان	۴/۱۵	
میزان توزیع امکانات آموزشی و پرورشی	زندان زنان مرکزی استان اصفهان	۳/۷۰	۱/۲۴۱ ۰/۲۹۱
	زندان مرکزی مردان استان اصفهان	۳/۳۹	
	زندان مردان شهرستان کاشان	۳/۴۸	
رضایت از مسئولان فرهنگی	زندان مرکزی زنان استان اصفهان	۴/۶۰	۵/۷۳۵ ۰/۰۰۴
	زندان مرکزی مردان استان اصفهان	۳/۹۵	
	زندان مردان شهرستان کاشان	۴/۱۹	

همچنین طبق جدول شماره ۱ با توجه به این که سطح معناداری آزمون (F) بین متغیر میزان توزیع امکانات آموزشی و پرورشی بر حسب نوع زندان (sig: ۰/۲۹۱) بیشتر از سطح معناداری (۰۵/۰) است، فرضیه صفر (عدم تفاوت) تأیید می‌شود. بدین معنا که توزیع امکانات آموزشی و پرورشی در سطح زندان بر حسب نوع زندان متفاوت نیست و فرض پژوهش پذیرفته نمی‌شود. به علاوه، طبق جدول شماره ۱ سطح معناداری آزمون (F) بین متغیر میزان رضایت از مسئولان فرهنگی بر حسب نوع زندان (sig: ۰/۰۰۴) کمتر از سطح معناداری (۱/۰) است، بنابراین به احتمال ۹۹ درصد، فرضیه صفر (عدم تفاوت) رد می‌شود بدین معنا که با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت رضایت از مسئولان فرهنگی بر حسب نوع زندان متفاوت است. این تفاوت توسط اجرای جدول شماره ۲-۲ پس آزمون تنها در بین زندان زنان اصفهان و زندان مردان همان استان است که با علامت ستاره (*) تصریح شده است معنادار می‌باشد و بین زندان شهرستان کاشان و زندان مرکزی استان اصفهان تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول شماره ۲: پس آزمون Tukey میانگین متغیرهای آموزش و پرورش بر حسب نوع زندان

تفاوت معنادار	Sig	نوع زندان	متغیر	
جدول شماره ۱-۲)	۰/۱۵۵	زندان مرکزی مردان استان اصفهان	زندان زنان مرکزی استان اصفهان	کارکرد برنامه‌های آموزشی و پرورشی
	۰/۰۹۳	زندان مرکزی مردان شهرستان کاشان		
	۰/۱۵۵	زندان زنان مرکزی استان اصفهان	زندان مرکزی مردان استان اصفهان	
	* ۰/۲۴۸	زندان مرکزی مردان شهرستان کاشان		
جدول شماره ۲-۲)	۰/۰۹۳	زندان زنان مرکزی استان اصفهان	زندان مرکزی مردان شهرستان کاشان	میانگین رضایت از مسئولان فرهنگی
	* ۰/۲۴۸	زندان مرکزی مردان استان اصفهان		
	۰/۰۱۱	زندان مرکزی مردان استان اصفهان	زندان زنان مرکزی استان اصفهان	
	* ۰/۱۸۱	زندان مرکزی مردان شهرستان کاشان		
	۰/۰۱۱	زندان زنان مرکزی استان اصفهان	زندان مرکزی مردان استان اصفهان	
	* ۰/۲۴۶	زندان مرکزی مردان شهرستان کاشان		
جدول شماره ۲-۳)	۰/۴۱۰	زندان زنان مرکزی استان اصفهان	زندان مرکزی مردان شهرستان کاشان	میانگین رضایت از مسئولان فرهنگی
	۰/۲۴۶	زندان مرکزی مردان استان اصفهان		

۲.۶. ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش، طبق جدول شماره ۳ نشان می‌دهد بین متغیر کارکردهای آموزش و پرورش در زندان و متغیر رضایت از مسئولان فرهنگی زندان (۰/۵۱۸) رابطه‌ی معنادار مثبت در سطح آلفای ۰/۰۰۰ وجود دارد. در نتیجه به هر میزان رضایت از عملکرد مسئولان افزایش یابد کارکرد، برنامه‌های آموزشی و پرورشی در زندان افزایش می‌یابد. بنابراین فرض پژوهش پذیرفته می‌شود. همچنین بین متغیر امکانات تحصیلی و پرورشی در زندان و متغیر رضایت از مسئولان فرهنگی زندان (۰/۳۵۲) رابطه‌ی معنادار مثبت و زیادی در سطح آلفای ۰/۰۰۰ وجود دارد. در نتیجه به هر میزان رضایت از امکانات تحصیلی و پرورشی در زندان افزایش یابد میزان رضایت از عملکرد مسئولان فرهنگی نیز افزایش می‌یابد. بنابراین فرض پژوهش پذیرفته می‌شود. به علاوه بین متغیر کارکرد آموزش و پرورش در زندان و توزیع امکانات آموزشی و پرورشی در زندان (۰/۴۱۰) رابطه‌ی معنادار مثبت و زیادی در سطح آلفای ۰/۰۰۰ وجود دارد. در نتیجه به هر میزان توزیع امکانات آموزشی و پرورشی در زندان افزایش یابد میزان کارکرد آموزش و پرورش در زندان نیز افزایش می‌یابد و میان متغیر کارکرد آموزش و پرورش در زندان و تمایل به ارتکاب جرم (۰/۲۷۵-) رابطه‌ی معنادار معکوس و متوسط در سطح آلفای ۰/۰۰۰ وجود دارد به این معنی که با افزایش کارکردهای آموزشی و پرورشی در زندان، درصد تمایل به ارتکاب جرم تا حد زیادی کاهش

می‌یابد. اما بین متغیر توزیع امکانات آموزشی و پرورشی در زندان و تمایل به تکرار جرم (۰/۰۸۷-) رابطه‌ی معکوس و پایین در سطح آلفای ۰/۱۸۲ وجود دارد که این رابطه از نظر آماری معنادار نمی‌باشد. همچنین بین متغیر رضایت از عملکرد مسئولین در زندان و تمایل به تکرار جرم (۰/۰۹۷-) رابطه‌ی معنادار وجود ندارد.

جدول شماره ۳: ضریب همبستگی پیرسون بین کارکردهای آموزش و پرورش در زندان و رضایت از عملکرد مسئولان

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
کارکردهای آموزش و پرورش در زندان رضایت از عملکرد مسئولان زندان	۲۳۹	۰/۵۱۸	۰/۰۰۰
امکانات تحصیلی و پرورشی در زندان میزان رضایت از مسئولان	۲۳۹	۰/۳۵۲	۰/۰۰۰
کارکردهای آموزش و پرورش در زندان توزیع امکانات آموزشی و پرورشی در زندان	۲۳۹	۰/۴۱۰	۰/۰۰۰
کارکردهای آموزش و پرورش در زندان تمایل به ارتکاب جرم	۲۳۹	-۰/۲۷۵	۰/۰۰۰
میزان توزیع امکانات آموزشی و پرورشی در زندان تمایل به ارتکاب جرم	۲۳۹	-۰/۰۸۷	۰/۱۸۲
رضایت از عملکرد مسئولین تمایل به تکرار جرم	۲۳۹	-۰/۰۹۷	۰/۱۳۵

نتیجه‌گیری

حق برخورداری از آموزش و پرورش یکی از حقوق بنیادین و بشری افراد است. اجرای این حق در زمینه شکل‌دهی شخصیت متعادل و سازگار زندانیان با ارزش‌ها اهمیت به‌سزایی دارد و از این طریق رفتارهای ناسازگار آنان را تعدیل و با محیط اجتماعی بیرون از زندان سازگار می‌کند. آموزش و پرورش موجبات رشد و بهبود وضعیت اجتماعی افراد را فراهم می‌کند، و آن‌ها را برای زندگی در جامعه و سازگاری با محیط مهیا سازد (شاه‌قلعه، ۱۳۹۰: ۳۲). پژوهش حاضر با بررسی عملکرد زندان‌ها در دسترسی به محیط تحصیلی مطلوب و میزان رضایت زندانیان از مسئولان فرهنگی، کارکردهای بازپرورانه اجرای حق برخورداری از آموزش و پرورش در ابعاد گوناگون فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، شخصی و جلوگیری از تکرار جرم را تأیید نمود. بدین منظور رابطه بین

فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون آماری مناسب بررسی شدند که نتایج آنها در جدول شماره ۳ تفصیل بیان شده است.

همان‌گونه که از جدول شماره ۳ برمی‌آید اولین فرضیه پژوهش، مبنی بر این‌که بین متغیر کارکردهای آموزش و پرورش در زندان و متغیر رضایت از مسئولان فرهنگی رابطه معنادار مثبت وجود دارد، تأیید شده است. بدین معنا که به هر میزان رضایت از عملکرد مسئولان افزایش یابد، کارکرد اجرای برنامه‌های آموزشی و پرورشی در زندان افزایش می‌یابد. نتایج این یافته با تحقیقات نیازپور (۱۳۸۸) و فراست طلب (۱۳۹۰) هم‌سو می‌باشد. آن‌ها درباره نقش مددکاری اجتماعی در پیشگیری از تکرار جرم پژوهشی انجام داده و به این نتیجه رسیدند که حضور مجریان و متخصصین در نظام اصلاح و درمان برای سالم سازی شخصیت مجرمان و آشنایی آنان با رفتارهای مطلوب اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد و موجب توانمندی و بازسازی زندانیان می‌گردد. بنابراین، برنامه‌ریزی مسئولان فرهنگی و بهبود تماس ایشان با زندانیان اجرای برنامه‌های آموزشی و برنامه‌های فرهنگی آسان‌تر می‌شود و کارکردهای خود را نشان خواهد داد.

همچنان که از جدول شماره ۳ برمی‌آید دومین فرضیه پژوهش، مبنی بر این‌که بین متغیر امکانات تحصیلی و پرورشی در زندان و متغیر رضایت از مسئولان فرهنگی زندان رابطه‌ی معنادار مثبت وجود دارد، تأیید شده است. بدین معنا که به هر میزان رضایت از امکانات تحصیلی و پرورشی در زندان افزایش یابد، میزان رضایت از عملکرد مسئولان فرهنگی نیز افزایش می‌یابد. تا کنون بر اساس یافته‌های نگارنده، تحقیقی در باره ارتباط بین فرضه‌های فوق تدوین نشده است. نتایج این یافته نشان می‌دهد مسئولان فرهنگی با تهیه امکانات لازم برای زندانیان می‌توانند میزان رضایت آنان را از عملکرد خود بالا برده و به دنبال آن زمینه‌های لازم برای افزایش کارکردهای اجرای برنامه‌های آموزشی و پرورشی را فراهم کنند. باید توجه داشت بین متغیر رضایت از عملکرد مسئولین در زندان و تمایل به تکرار جرم رابطه معنادار وجود ندارد. یعنی عملکرد مسئولان تأثیر مستقیم و بدون واسطه بر کاهش تمایل به ارتکاب جرم زندانیان ندارد. بلکه کارکردهای اصلاحی و بازپرورانه اجرای این‌گونه برنامه‌ها را افزایش داده که نتیجتاً می‌تواند منجر به کاهش تمایل ارتکاب جرم توسط زندانیان شود.

سومین فرضیه پژوهش مبنی بر این‌که بین متغیر کارکردهای اجرای برنامه‌های آموزشی و پرورشی در زندان و توزیع امکانات تحصیلی و پرورشی رابطه‌ی معنادار وجود دارد، تأیید شده است. با این توضیح که به هر میزان توزیع امکانات آموزشی و پرورشی در زندان افزایش یابد میزان کارکرد آموزش و پرورش در زندان نیز افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج تحقیقات صلاحی (۱۳۸۶)

همخوانی دارد. بدین معنا که اجرای برخی برنامه‌ها و تأسیس کتابخانه‌ها و سایر اقدامات علمی توسط کارکنان نقش مهمی در بازپروری مجرمان ثابت می‌کند.

همچنین بر پایه فرضیه دیگر این پژوهش طبق جدول شماره ۳، مبنی بر این‌که بین متغیر کارکرد آموزش و پرورش در زندان و تمایل به ارتکاب مجدد جرم رابطه‌ی معنادار معکوس وجود دارد، تأیید شده است. بدین معنی که با افزایش کارکردهای آموزشی و پرورشی در زندان، درصد تمایل به ارتکاب جرم تا حد زیادی کاهش می‌یابد. این یافته با تحقیقات ایلونا مورفی (۲۰۱۳) و افراسیابی (۱۳۸۹) همسو می‌باشد. بدین معنا که اجرای کلیه مراحل و تدابیر بازپذیری اجتماعی بزهکاران از رهگذر اجرای برنامه‌های آموزشی مانع سوق یابی بزهکاران به سمت تکرار جرم می‌شود. از این رو می‌توان با اجرای این‌گونه برنامه‌ها تمایل به ارتکاب مجدد جرم را در زندانیان کاهش داد و با نظارت بعد از آزادی میزان گرایش آنان به ارتکاب جرم را در سطح پایین نگه داشت.

یکی دیگر از فرضیه‌های دیگر این پژوهش طبق جدول شماره ۳، مبنی بر اینکه بین متغیر توزیع امکانات آموزشی و پرورشی در زندان و تمایل به تکرار جرم رابطه‌ی معکوس و پایین در سطح آلفای ۰/۱۸۲ وجود دارد، مورد تأیید واقع نمی‌شود زیرا این رابطه از نظر آماری معنادار نمی‌باشد. این نتیجه مغایر با یافته‌های تحقیقات عرفانی و همکاران (۱۳۹۰) است. این تحقیق رابطه تکرار جرم با امکانات زندان را بررسی کرده است و نتایج آن نشان داده است تکرار جرم با امکانات زندان رابطه معناداری دارد (ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۸۱۳ و سطح معناداری آن برابر ۰/۰۰۰/۰) و باتوجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، رابطه‌ای مستقیم و زیاد بین تکرار جرم با امکانات زندان در زندان وجود دارد و هر چه امکانات زندان بیشتر باشد، تکرار جرم نیز کمتر خواهد بود. اما طبق نتایج این پژوهش با وجود این‌که بین متغیر توزیع امکانات آموزشی و پرورشی در زندان و تمایل به تکرار جرم (۰/۰۸۷-) رابطه معکوس و پایین در سطح آلفای ۰/۱۸۲ وجود دارد اما این رابطه از نظر آماری معنادار نمی‌باشد. بنابراین، نمی‌توان گفت صرف وجود امکانات آموزشی و پرورشی در زندان موجب کاهش تمایل زندانیان به ارتکاب جرم می‌شود.

لازم به ذکر است نتایج این پژوهش در زمینه عدم تمایل به ارتکاب مجدد جرم توسط اکثر زندانیان بعد از آزادی با نظریه کسانی که معتقدند زندان آموزشگاه مناسبی برای زندانی نمی‌باشد هرچند کلیه امکانات آموزشی در آن جا فراهم باشد، سازگار نمی‌باشد. در تبیین این نظریه باید گفت چه بسا محلی برای آموزش منفی و ضد اجتماعی بوده و مجرمان را آموخته تر و بزهکاران را توانمندتر از قبل از ورود به زندان در زمینه برخوردهای منفی می‌کند و تبدیل به مجرمان حرفه‌ای می‌نماید (محسنی، ۱۳۸۷). همچنین با نظریه پوت واین (Putwain) و سامونز (Sammons) همخوانی ندارد. آن‌ها می‌نویسند: «تقریباً بسیاری از متخلفین فوراً به محض آزاد شدن از زندان

مرتکب جرایم بیشتری می‌شوند.» و با نظریه بعضی از صاحب‌نظران (واکر و فارینگتون) که گروهی از متخلفین را برای آن‌ها مجازات زندان معلق تعیین شده بود یا به قید ضمانت آزاد شده بودند، مورد مقایسه قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که احتمال تخلف مجدد در گروه دوم کمی کم‌تر بود. همسو می‌باشد. بنابراین به نظر نمی‌رسد لزوماً زندان احتمال تخلف مجدد را افزایش دهد. همچنین نتایج این پژوهش با اعتقاد عمومی که بر این منوال است که زندانی شدن باید باعث کاهش تخلف مجدد گردد، همخوان است. اساس این اعتقاد این است که زندان رفتن یک امر زشت و ناپسند می‌باشد و کسی که زندان را تجربه می‌کند برانگیخته می‌شود تا از رفتارهایی که منجر به تخلف و قانون شکنی می‌شود اجتناب کند. بنابراین جامعه‌پذیری مجدد زندانیان بر اساس هنجارهای صحیح و مقبول اجتماعی از طریق تهیه مقدمات آموزشی و پرورشی در زندان کارکردهای منفی زندان را کاهش داده و زمینه اصلاح و بازپروری آنان را فراهم می‌کند.

به‌علاوه، بر اساس پژوهش میدانی به‌دست آمده، اجرای حق بر خورداری از آموزش و پرورش دارای کارکرد فرهنگی- اجتماعی است نتایج این پژوهش با دیدگاه کارکردگرایانه دورکیم درباره آموزش و پرورش و نظریه انسجام اجتماعی در اندیشه وی همسو می‌باشد و با یافته‌های تحقیقات غفاری فر (۱۳۸۱) و صالحی امیری (۱۳۸۸) همخوانی دارد. در تبیین باید گفت شرکت در کلاس- های تعلیمی و تربیتی مقدمات توسعه و ترویج فرهنگ مشترک را در میان زندانیان فراهم می‌نماید و آنان را به سوی همسازی با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی سوق می‌دهد. همچنین نتایج حاصل از کارکرد مالی- اقتصادی شرکت در کلاس‌های آموزشی در زندان با نظریات ثوری وزیری (۱۳۳۹) و محسنی (۱۳۹۴) همسو می‌باشد. با این توضیح که حرفه‌آموزی و آموزش شغل متناسب با نیازهای زندانیان، آنان را قادر می‌سازد تا نیازهای مادی خود را از راه‌های قانونی و شرافتمندانه برطرف کند و از این طریق زمینه اصلاح و بازسازی مجرمین را فراهم می‌کند. یکی دیگر از آثار مثبت مشارکت در کلاس‌های آموزشی و پرورشی داخل زندان، ادامه تحصیل، آماده ساختن زندانیان برای داشتن زندگی سالم و خوب بعد از آزادی است. این نتیجه با نظریات سراکارانی (۱۳۹۳) و تحقیقات نیازپور (۱۳۹۱) همسو می‌باشد. در واقع، این محققان دریافتند که در صورتی که افراد نسبت به موضوع درس شناخت پیدا کنند و نگرش‌های سازنده در آن‌ها ایجاد شود و به مشارکت در مباحث مربوط به زندگی اجتماعی علاقه‌مند شوند. به ادامه تحصیل بعد از آزادی تمایل بیشتری پیدا می‌کنند. تحقیق میدانی این پژوهش این موضوع را تأیید می‌نماید.

با ملاحظه فرضیه‌های مورد پژوهش و روابط آنان با یکدیگر به نظر می‌رسد نگرش زندانیان نسبت به کارکردهای آموزش و پرورش، وجود برخی از امکانات و رضایت از معلمان و مسئولان فرهنگی مثبت می‌باشد. این امر موجب ترغیب و تشویق آنان به مشارکت در این گونه برنامه‌ها تا

حد زیادی است که به دنبال آن به بهبود رفتار زندانیان و اصلاح و بازپروری اجتماعی مجرمین کمک می‌کند و آنان را برای ورود مجدد به جامعه آماده می‌سازد. این امر نیازمند امکانات ضروری و متناسب حال زندانیان است؛ انتخاب آموزگاران و مربیان زندان‌ها از بین اشخاص مجرب، برنامه‌ریزی مسئولان فرهنگی و بهبود تماس ایشان با زندانیان، اجرای برنامه‌های آموزشی و فرهنگی را آسان‌تر می‌کند و مسئولان با تهیه امکانات لازم برای زندانیان می‌توانند میزان رضایت آنان را از عملکرد خود بالا برده و به دنبال آن مقدمات افزایش کارکردهای بازپرورانه اجرای برنامه‌های آموزشی و پرورشی را فراهم کنند و در نتیجه منجر به کاهش تمایل ارتکاب جرم توسط زندانیان شوند.

از این رو می‌توان با اجرای برنامه‌های آموزشی و پرورشی تمایل به ارتکاب مجدد جرم توسط زندانیان را کاهش داده و با نظارت بعد از آزادی میزان گرایش آنان به ارتکاب جرم را در سطح پایین نگه داشت زیرا نگرش مثبت زندانیان نسبت به وجود برخی از امکانات و رضایت از معلمان و مسئولان فرهنگی موجب ترغیب و تشویق آنان به مشارکت در این‌گونه برنامه‌ها می‌شود و به بهبود رفتار و بازپروری اجتماعی زندانیان کمک می‌کند و آنان را برای ورود مجدد به جامعه آماده می‌سازد و همچنین از طریق افزایش همکاری در داخل زندان بین زندانیان با انجمن‌ها از اینکه آنان می‌توانند بعد از آزادی ادامه تحصیل دهند، اطمینان حاصل گردد. به علاوه از رهگذر چنین کنترل و مراقبت‌هایی و همچنین سوق‌دهی شخص به سمت بسترهای اجتماعی، شخص بزهکار در محیط باز جامعه تحت نظارت و مراقبت مؤثر قرار می‌گیرد تا موضوع، ماهیت و اهداف اقدامات اصلاحگر با بسترهای اجرایی آن مطابقت داشته باشد و به دنبال آن با کنترل فرد رها شده از زندان، از سوق‌یابی بزهکاران به سمت تکرار جرم پیشگیری می‌شود.

در این راستا نظام عدالت کیفری بایستی در کنار برنامه‌های یاد شده با اجرای مستمر برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مانند پیش‌بینی سیاست‌های لازم جهت حمایت از فرد محکوم، دسترسی به آموزش خارج از زندان، به صورت مستمر زمینه رشد فردی و اجتماعی افراد را فراهم کرده و به دنبال آن فردی اجتماعی و ارزش‌پذیر تربیت کند. به علاوه سازمان زندان‌ها بایستی با کمک نهادهای مدنی و مردمی و همچنین با همکاری وزارت آموزش و پرورش پس از تحمل مجازات حبس، برای مدتی فرد را تحت نظر و حمایت خود قرار دهد و امکانات لازم جهت ادامه تحصیل در خارج از زندان را برای او فراهم کند.



منابع

- آنسل، مارک (۱۳۷۵)، **دفاع اجتماعی**، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- آقازاده، احمد (۱۳۸۶)، **تاریخ آموزش و پرورش**، چاپ دوم، تهران، انتشارات ارسباران.
- افراسیابی، علی (۱۳۸۹)، «امکان بازپذیری اجتماعی بزهکاران در بسترهای کیفری و پسا کیفری موجود»، **فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم**، دوره ۱۵، شماره ۴، ص ۵۶-۳۴.
- اسماعیل نسب، حسین (۱۳۹۳)، **مجموعه مهم ترین اسناد کاربردی حقوق بین الملل**، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- اسداله‌هی، عبدالرحیم، علیرضا محسنی تبریزی، محمود براتوند (۱۳۸۸)، «نقش مرکز مراقبت بعد از خروج در اشتغال زایی زنان زندانی خوزستان»، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال دهم، شماره ۳۴، ص ۳۴۹-۳۵۵.
- بولک، برنار (۱۳۹۱)، **کیفرشناسی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات مجد.
- پرادل، ژان (۱۳۸۸)، **تاریخ اندیشه‌های کیفری**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، با همکاری مؤسسه نشر یلدا.
- تامیم، استیفن (۱۳۸۱)، **وضعیت زندان‌ها، در: زندان‌ها در هزاره سوم**، گردآوری راجر ماتیوس و پیترو فرانسیس، ترجمه لیلا اکبری، چاپ اول، تهران: راه تربیت.
- خاکشور، مهدی (۱۳۹۵)، «روش‌های حقوقی تضمین حقوق زندانیان»، **بانک مقالات فارسی**، ص ۳۱-۳۷.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۸)، **تربیت و جامعه‌شناسی**، ترجمه علی محمد کاردان، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سلیمی، علی (۱۳۹۵)، **جرم و جرم‌شناسی وایت (راب) و هنیز (فیونا)**، چاپ هشتم، قم: موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه قم.
- شاه‌قلعه، صفی‌الله (۱۳۹۰)، «جامعه‌شناسی، تعاریف، مفاهیم، قلمرو»، **ویژه نامه ضمن خدمت رشد علوم اجتماعی**، دوره ۱۵، شماره ۱، ص ۳۷-۳۰.
- صالحی امیری، رضا، امیرعظیمی دولت آبادی (۱۳۸۸)، «آموزش و پرورش و انسجام اجتماعی»، **مجله رشد آموزش علوم اجتماعی**، دوره ۱۳، شماره ۱، ص ۱۷-۹.

صمدی‌راد، انور (۱۳۸۳)، «مددکاری اجتماعی در سیستم قضایی: نقش مددکاران اجتماعی در زندان‌ها و مراکز اصلاح و تربیت»، **فصلنامه علوم اجتماعی**، دوره ۱۱ شماره ۲۵، ص ۱۵۱-۱۳۷.

فاتحی، ابوالقاسم، علی هواسی و محمود براتوند (۱۳۹۰)، «بررسی پیامد مجازات زندان (نوع حبس) سرپرست خانواده (پدر) بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده زندانیان شهر اهواز در سال ۱۳۹۰»، **فصلنامه توسعه انسانی**، دوره ششم، شماره ۲، ص ۳۰۸-۲۹.

عرفانی، محمود (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر زندان بر تکرار جرم (مطالعه زندان مرکزی اردبیل)»، **فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی**، دوره ۶۹، شماره ۱، ص ۱۲۵-۱۰۴.

غلامی، حسین (۱۳۸۸)، «راهبرد تأسیس پادگان‌های آموزشی و تربیتی»، **مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی**، نشر میزان، ص ۶۰۱-۵۸۱.

قماش، سعید (۱۳۹۳)، **کرامت انسانی و نقش آن در جرم‌انگاری**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

کلاه‌مال‌همدانی، احمد (۱۳۹۰)، «کارکردهای اجتماعی آموزش و پرورش»، **ویژه‌نامه ضمن خدمت رشد علوم اجتماعی**، شماره ۱، دوره ۱۵، ص ۴۵-۳۸.

لواسانی، محمود (۱۳۸۴)، **فلسفه حقوق بشر و نقد مبانی آن**، چاپ اول، تهران: نشر گرایش. مقصودی، رضا (۱۳۹۴)، «تأثیر قواعد حقوق بشر بر حقوق بین‌الملل خصوصی در پرتو آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر»، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، سال هفدهم، شماره ۴۹، ص ۱۵۴-۱۳۳.

محسنی، فرید (۱۳۹۴)، **جرم‌شناسی**، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع). مجیدی بیدگلی، کبری و سمیه صفاکیش کاشانی (۱۳۸۷)، «زندان و آسیب‌های ناشی از مجازات زندان»، **ماهنامه اصلاح و تربیت**، سال هفتم، شماره ۷۳، ص ۴۶-۴۰.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۷)، **مختصر جرم‌شناسی**، تدوین مجتبی جعفری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

نیازپور، امیرحسن (۱۳۸۸)، «نقش مددکاری اجتماعی در پیش‌گیری از تکرار جرم»، **مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیش‌گیری از جرم (پیش‌گیری از تکرار جرم وبزه دیدگی)**، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا، ص ۳۱۵-۲۹۵.

نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۱)، «حق برخورداری از آموزش و پرورش: از حقوق بشر تا پیش‌گیری از جرم»، **مجله مطالعات پیش‌گیری از جرم**، شماره ۲۲، ص ۸۷-۱۰۲.

نیلی احمدآبادی، محمدرضا (۱۳۹۲)، «جایگاه تعلیم و تربیت اسلامی در علوم انسانی»، پژوهش-
نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، شماره ۲۷، ص ۱۸۶-۱۷۱.
یزیدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۱)، چرایی و چگونگی مجازات، چاپ اول، سازمان انتشارات
پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Costelloe, Anne; Warner, Kevin (2014), Prison education across Europe: policy, practice, politics, **Publisher: UCL IOE Press**, p 175-183 (9).
Clarkson. C.M.V, Keating. H.M (1998), **Criminal Law: Text and materials**, Fourth edition, London, Seewt and Maxwell
Darren J, obyrone, (2013), **Human right an introduction**, Published by routledge.
Leonard A. Roberts: Birdwell (2012), the World's First Attempt at Prisoner Rehabilitation through Education, **Journal of Correctional Education**, Vol. 35, No. 3.
Ilona, Murphy (2013), **Prison education and training in Europe Jo Hawley**, Manuel soutu otero, European, Commission,
Miceli, Victoria. (2009), Analyzing the Effectiveness of Rehabilitation Programs, **University of Rhode Island**, 1-35.
Nacro,(2014), rehabilitation of offenders act (1974), **Chenching lives reducing crime**, p1- 16.
Pirner, Manfred L (2016), Human Rights and Religion in Educational Contexts. **Springer International Publishing**. p 139-148.
William Forster, Bill Forster (2013), England and Wales: The State of Prison Education, **Journal of Correctional Education**, p101-105.